

سورة الاحقاف

١٥٢٨٥٨



دانشگاه گیلان و بوختان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
رساله کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی پندارهای عمومی در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمود حسن آبادی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر مریم شعبان زاده

نگارش:

معصومه شهرکی

کتابخانه ادبیات و زبان فارسی
تاسیس ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۱۸

آبان ماه ۱۳۸۶

۱۰۴۱۵۱

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان بررسی پندارهای عمومی در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو معصومه شهرکی تحت راهنمایی استاد پایان نامه آقای دکتر محمود حسن آبادی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

(نام و امضاء دانشجو)

معصومه شهرکی

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۸۶/۹/۲۸ توسط هیئت داوران بررسی و درجه عالی به آن تعلق گرفت.

تاریخ: ۱۳۸۶/۹/۲۸

نام و نام خانوادگی: معصومه شهرکی امضاء

استاد راهنما: دکتر محمود حسن آبادی

استاد مشاور: دکتر مریم شعبان زاده

داور ۱: دکتر محمد میر

داور ۲: دکتر محمود عباسی

نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر گیتی موسی پور



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب معصومه شهرکی تائید می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی: معصومه شهرکی امضاء:

تقدیم به آنکه ایوب شرمنده صبر اوست

و یعقوب هنوز بوی پیراهنش را به انتظار نشسته است
به ولیعصر (عج)

و تقدیم به دو کبوتر عاشقی که

پروبال پریدنشان را فدای پرواز من ساختند

به پدر و مادرم

تقدیر و سپاس

حال که به خواست و توفیق الهی نگارش این پایان نامه به اتمام رسیده است بر خویش لازم می دانم تا از تمامی عزیزانی که در مراحل مختلف نگارش آن یاری ام کردند نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم و صمیمانه از یکایک این بزرگواران سپاسگذاری کنم :

خداوند که حضور سبزش را در تمام دقایق عمرم احساس می کنم. مونسی که میل به دانش اندوزی را در جانم به ودیعه نهاد و لحظه ای مرا به حال خویش واگذار نکرد.

استادان محترم جناب آقای دکتر محمود حسن آبادی و سرکار خانم دکتر مریم شعبان زاده که به عنوان استاد راهنما و مشاور در تمامی مراحل کار همچون مشعلی فروزان کوره راههای این مسیر را برایم روشن ساختند.

خانواده ام که همیشه ایام مشوق اصلی و تکیه گاه خستگی هایم بودند.

استادان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی و مسوولان سخت کوش دانشگاه سیستان و بلوچستان.

و تمامی اندیشمندان و پژوهشگرانی که از ثمره افکار و اندیشه های عالمانه شان در این کار بهره گرفتم.

چکیده

بیش از هزار سال است که از آفرینش شاهنامه، به دست شاعر جاودانه ایران، فردوسی می گذرد این کتاب ارزشمند کارنامه روشن تربیت و اخلاق و آیین آرمان ها و مظاهر رنگارنگ و بزرگ ملتی است که از نخستین طلایه داران فضیلت و راستی، آزادگی، یگانه پرستی و خردورزی در پهنه گیتی بوده اند.

شاهنامه نه از آن جهت که آینه جلال و شکوه زبان فارسی است، در خور توجه می باشد بلکه از آن رو که اقیانوسی سرشار از افکار و اندیشه ها و باور ها و اعتقادات و نمودار بسیاری از آداب و رسوم و آیین های ایرانی است، در خور مذاقه کامل است و شناخت و بررسی آن بر هر ایرانی اصالت اندیشی لازم است.

لذا با همین هدف به بررسی پندارهای عمومی مندرج در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه پرداخته ام تا بازگو کننده گوشه ای از مظاهر فرهنگ غنی آریایی باشم.

شیوه کار بدین صورت است که پس از مطالعه و بررسی کامل موضوع، سعی شد تا مطالب گردآوری شده با زبانی ساده و شیوه ای آسان و قابل دسترس پیش روی مخاطب قرار گیرد، لذا کل مطالب طی سه فصل دسته بندی شد. فصل اول به بررسی پندار، پندارهای عمومی شاهنامه و پیشینه مذهبی و تاریخی هر یک از پندارها اختصاص یافته است. در فصل دوم به بررسی داستان، عناصر داستانی و رویدادهای غیر داستانی شاهنامه پرداخته شده است و در فصل پایانی، هر یک از پندارها در تک تک رویدادهای غیر داستانی شاهنامه مورد بررسی قرار گرفته است، تا پندارها و اصول اعتقادی ایران باستان بطور کامل و جامع پیش روی خواننده قرار بگیرد.

هدف تحقیق

تحقیق و پژوهش پیرامون فردوسی و شاهنامه، هدف و آرزویی بود که از همان ابتدای آشنایی با این حماسه بزرگ در ذهن من ایجاد شده بود، لیکن فرصت مناسبی برای پرداختن به این کار به دست نیامد. نوشتن پایان‌نامه، این فرصت را برای بنده فراهم می نمود تا به صورت عمیق و ریشه‌ای با این ابر حماسه آشنا گردم. لذا تصمیم گرفتم موضوع پایان‌نامه خود را حول محور شاهنامه فردوسی انتخاب کنم.

چراکه معتقدم شاهنامه فردوسی، شناسنامه فرهنگی این ملت است. اثر گرانقدری که بیش از هر کتاب دیگری به ایران و فرهنگ ایرانی بها داده است و همانند ذرچ و گنجینه‌ای مستحکم، فرهنگ و تمدن، اخلاق و تربیت، آداب و رسوم، عقاید، باورها و اندیشه‌های جمعی قوم آریایی رادرخود گنجانده است و از این دیدگاه در خور توجه و مذاقه کامل است و شناخت و مطالعه آن بر هر ایرانی اصالت اندیشی، به منظور حفظ و ترویج هر چه بیشتر آن لازم است.

لذا باهدف شناخت بهتر این فرهنگ غنی و متعالی و آشنایی بیشتر با مظاهر فرهنگی نهفته در بهترین منظومه حماسی ایران یعنی شاهنامه فردوسی به پژوهش و بررسی پیرامون پندارهای عمومی مندرج در آن پرداختم، بدان امید که بتوان بخش‌هایی از تمدن غنی و دیرینه ایران باستان را که تاکنون کمتر بدان نگریسته شده، یادآور شوم.

سابقه تحقیق

درخصوص پندارهای عمومی شاهنامه فردوسی تا جایی که بنده مطالعه کرده‌ام، تقریباً هیچ کار مفصل و شایسته‌ای صورت نگرفته است یا صرفاً به نگارش مقالاتی کوتاه، یا اختصاص فصلی از یک کتاب و بررسی یک یا چند باور رایج، اکتفا شده است و متأسفانه کتابی که با حجم نسبتاً وسیع، مجموع پندارها و باورهای ایرانیان باستان را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد، موجود نیست.

روش تحقیق

در ابتدای کار برای یافتن موضوعی که هم جدید و تازه باشد و هم کاری ارزشمند و در خور پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به مطالعه و بررسی شاهنامه پرداختم و در نهایت با مشورت و راهنمایی اساتید محترم گروه، خاصه استاد راهنما بر آن شدم تا به بررسی «پندارهای عمومی مندرج در رویدادهای غیرداستانی شاهنامه» که موضوع نسبتاً جدید و درخور توجهی بود بپردازم.

پس از تصویب و تأیید موضوع، با راهنمایی اساتید محترم راهنما و مشاور به مطالعه شاهنامه و دیگر کتب مرتبط با موضوع و فیش‌برداری از مطالب آنها پرداختم. در ضمن فیش‌برداری، مطالب و فیش‌های تهیه شده را به استادان محترم ارائه می‌نمودم و نظرات اصلاحی آنها را به کار می‌بستم.

اساس کار، پندار و پندارهای عمومی شاهنامه است بنابراین در ابتدا به تعریف پندار، چیستی پندار و معرفی آن دسته از پندارهایی که جنبه عمومی دارند پرداخته شده است و از آنجا که محدوده کار رویدادهای غیرداستانی شاهنامه است لذا، می‌بایست این رویدادها از کل مطالب شاهنامه تفکیک می‌شد و این امکان‌پذیر نبود مگر از طریق شناخت داستان و عناصر و اصول آن. از این روی با مطالعه کتب مرتبط با داستان و داستان نویسی به تفکیک رویدادهای داستانی و غیر داستانی شاهنامه پرداختم و در نهایت پندارهای عمومی مندرج در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه را مورد بررسی قرار دادم و ابیات مربوط به هر یک از پندارها مشخص گشت. پس از فیش‌برداری و به کار بستن دیدگاههای استادان محترم راهنما و مشاور، فیشها بر اساس موضوعها و پندارهای مختلف دسته‌بندی و تنظیم گردید. در نهایت کل مطالب به سه فصل تقسیم گردید که عبارتند از:

۱- بررسی رویدادهای غیرداستانی شاهنامه

۲- بررسی پندار و پندارهای عمومی شاهنامه

۳- بررسی پندارهای عمومی در رویدادهای غیرداستانی شاهنامه

پس از آن به تدوین و ویرایش مطالب اقدام گردید و کار برای تایپ آماده شد. پس از تایپ نیز کار مورد بازبینی قرار گرفت و اصلاحات لازم در آن انجام شد و پس از نه ماه مطالعه و تحقیق، نتیجه کار به شکل حاضر درآمد.

در این پایان‌نامه از شاهنامه تصحیح ژول مول با مقدمه دکتر محمدمین ریاحی استفاده شده است و شیوه ارجاع ابیات نیز بدین صورت است که ابتدا شماره جلد، سپس شماره صفحه و در آخر شماره ابیات، قید شده است تا دسترسی به آدرس و منبع برای خواننده آسان باشد. مثلاً: ۱۵/۲۱۱/۵ به منزله (جلد/صفحه/ابیات) است.

معصومه شهرکی

مهرماه ۱۳۸۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۲.....	نقش ادبیات در بنیاد فرهنگی.....
۳.....	ادبیات چیست؟.....
۴.....	ادبیات داستانی چیست؟.....
۴.....	حماسه چیست؟.....
۵.....	حماسه فردوسی.....

فصل اول

بررسی رویدادهای غیر داستانی شاهنامه

۸.....	داستان چیست؟.....
۹.....	عناصر داستانی.....
۱۳.....	داستان و غیر داستان در شاهنامه.....
۱۴.....	ناداستان ها.....
۱۵.....	نیمه داستان.....
۱۵.....	داستان.....
۱۵.....	بررسی عناصر داستانی در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه.....
۱۶.....	وحدت های سه گانه در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه.....
۱۷.....	عنصر زمان در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه.....
۱۸.....	عنصر مکان در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه.....
۱۹.....	درونمایه در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه.....
۱۹.....	عنصر علیت در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه.....
۲۰.....	عنصر گفت و گو در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه.....
۲۰.....	عنصر شخصیت در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه.....

فصل دوم

بررسی پندار و پندارهای عمومی شاهنامه

۲۳.....	پندار چیست؟.....
۲۴.....	پندارهای عمومی شاهنامه.....
۲۶.....	نقش ادیان در پندارها و اعتقادات مردم.....
۲۷.....	اعتقاد ایرانیان پیش از پذیرش دین زرتشت.....
۲۸.....	آیین مهر پرستی.....

۲۹.....	دین زرتشت.....
۳۱.....	آیین زروانی.....
۳۱.....	آیین مانوی.....
۳۲.....	آیین مزدک.....
۳۳.....	آیین توحیدی اسلام.....
۳۴.....	فهرست پندارهای عمومی شاهنامه.....

فصل سوم

بررسی پندارهای عمومی در رویدادهای غیر داستانس شاهنامه

۳۸.....	آغاز هر کار با نام خداوند.....
۳۹.....	احترام به بزرگان وریش سفیدان.....
۴۰.....	اعتقاد به ارتباط سروش با نیکان.....
۴۱.....	اعتقاد به شاه و اطاعت از او.....
۴۴.....	اعتقاد به خلقت جهان و جهانیان به دست خداوند.....
۴۶.....	اعتقاد به وجود بخت و اقبال.....
۴۸.....	اعتقاد به تأثیر اعمال بر زندگی، روزی و سرنوشت مردم.....
۵۱.....	اعتقاد به چشم زخم و تأثیر اسپند در دفع آن.....
۵۱.....	اعتقاد به حاکمیت اراده الهی بر سرنوشت مردم.....
۵۲.....	اعتقاد به سعد و نحس بودن برخی امور.....
۵۲.....	اعتقاد به فریاد رسی خداوند و امید به لطف الهی.....
۵۵.....	اعتقاد به قیامت و حسابرسی در آخرت.....
۵۸.....	اعتقاد به یگانگی خداوند.....
۵۹.....	اهمیت شادی و ضرورت شادمانی در زندگی.....
۶۲.....	پرهیز از هواهای نفسانی.....
۶۳.....	تأثیر افلاک و ستارگان بر سرنوشت مردم.....
۶۵.....	تأثیر داد و بیداد شاه بر سرنوشت مردم.....
۶۸.....	ترس از خشم خدا و آه مظلوم.....
۷۰.....	تضاد گونگی دنیا.....
۷۲.....	تعصب ناموسی.....
۷۲.....	تقدیر.....
۷۵.....	خوار مایگی زنان.....
۷۶.....	زیبایی بخشش و کرم.....
۷۸.....	زیبایی خرد و ضرورت خردمندی شاه.....
۸۲.....	زیبایی سخن نیک و نیکوسخن گفتن.....
۸۴.....	زیبایی صبر و بردباری.....
۸۵.....	زیبایی عدل و ضرورت عدل شاه.....
۸۸.....	زیبایی گذشت و کظم غیظ.....
۹۰.....	زیبایی نیکی و نیکوکاری.....
۹۲.....	شاه حافظ دین و دین زینت شاه است.....

۹۲.....	شتاب کاری اهریمنی است.....
۹۳.....	شکر گذاری از نعمت های الهی
۹۵.....	شومی برادر کشی.....
۹۶.....	شومی پژوهش بیهوده در راز جهان.....
۹۶.....	شومی و زشتی خشم
۹۸.....	شومی رشک و آرز.....
۱۰۰.....	ضرورت رهنمون و مشاور دانا
۱۰۳.....	ضرورت فره ایزدی برای شاه.....
۱۰۵.....	ضرورت کین جویی.....
۱۰۷.....	ضرورت نژادگی برای شاه.....
۱۰۹.....	ماندگاری اعمال نیک و بد.....
۱۱۰.....	مغتنم شمردن زمان و فرصت.....
۱۱۱.....	مقدرو همگانی بودن مرگ.....
۱۱۴.....	مکافات اعمال.....
۱۱۵.....	ناپایداری دنیا.....
۱۲۱.....	ناپسندی بداخلاقی
۱۲۱.....	ناپسندی تملق و چاپلوسی.....
۱۲۲.....	ناپسندی دروغ و ناراستی.....
۱۲۴.....	ناپسندی عجب و غرور.....
۱۲۵.....	ناپسندی فقر و ضرورت رسیدگی به تهیدستان.....
۱۲۶.....	ناپسندی کاهلی و بیکاری.....
۱۲۷.....	وفاداری به عهد و پیمان.....
۱۲۹.....	نتیجه.....
۱۳۱.....	فهرست منابع.....

افکار، اندیشه‌ها، پندارها و باورهای هر قومی ریشه در فرهنگ و تمدن آن قوم دارد به عبارت دیگر «هر فرهنگی، الگوهای رفتاری ویژه‌ای را میان کاربران می‌پروراند که با آن الگوها بتوانند بهتر و آسان‌تر خود را با محیط زیست‌شان تطبیق دهند و روابط اجتماعی‌شان به گونه‌ای تنظیم گردد که کمترین تنشها را در روابط داخلی‌شان داشته باشند و در برخورد با جهان برون فرهنگی طوری رفتار کنند که به دوام و بقای اجتماع فرهنگی‌شان آسیب سهمگینی وارد نیاید.

فرهنگ ایرانی و اجتماع فرهنگی ایران، با تاریخچه و قدمتی بسیار کهن نزدیک به سه هزار سال پیشینه دارد و طی این دوران دراز پیوستگی فرهنگی خود را از دست نداده و نوعی خودآگاهی فرهنگی و تعلق به فرهنگ ایرانی، همیشه در ذهن مردم ایران وجود داشته است. امروزه که فرهنگ کهن ایرانی، بستر جهانی و زمینه‌های ارتباطی گسترده گذشته را از دست داده، هنوز بقایای روحیه‌ای را که در خور اصالت تاریخی و فرهنگی این قوم است در اذهان مردم ایران پابرجا مانده است، چرا که فرهنگ معنوی با وجود از دست دادن زمینه‌های مادی و فنی‌اش همچنان مقاومت می‌کند و به سادگی و پیرو فرهنگ مادی دستخوش زوال نمی‌شود. انسان‌ها در سراسر جهان به سادگی و آسانی از جهت مادی تغییر می‌کنند ولی با همین سرعت و سهولت از جهت معنوی دگرگون نمی‌شوند.

«الگوهای معنوی بسیار پایدارتر و پابرجاتر از شیوه‌های تکنولوژیک و فنی‌اند. رویکرد جهانگرایانه که در رفتار امروزی ایرانیان به چشم می‌خورد و باعث می‌شود که ایرانیان نسبت به پدیده‌های انسانی و فرهنگی خارج از جهان فرهنگی‌شان رفتاری پذیرا و سازگار داشته باشند، فرآورده اوضاع اجتماعی و اقلیمی و جغرافیایی مردم وابسته به فرهنگ ایرانی طی یک دوره دراز است و ریشه در شرایط کنونی مردم ایران ندارد. مجموعه عناصر فرهنگ ایرانی طی یک تاریخ چند هزار ساله و از خلال نسل‌های پی‌درپی و با پایمردی‌ها و ابتکارها و نوآوریها و ذوق آزمایی‌ها و هنرمندی‌های فرهنگ‌سازان گاه بی‌نام و نشان ایرانی و بدون برخورد با گسست‌ها به ذهن ما رسیده و به ما رفتاری بخشیده است که به جای نفرت و واگرایی از دیگران، محبت و همدلی با آنها را نشان می‌دهیم. در اینجا به ناگزیر به این نتیجه می‌رسیم که رویکرد جهانگرایانه ایرانیان ریشه در فرهنگ دیرپای ایرانی دارد و علت‌ها و سرچشمه‌های آن را باید در همین فرهنگی که بسیار ریشه‌دارتر از فرهنگ نوین ملی است، جستجو کرد.» (ثلاثی، ۱۳۷۹: پیشگفتار)

نقش ادبیات در بنیاد فرهنگی

- « فرهنگ به مجموعه همبسته‌ای از عناصر گوناگون و مکمل‌های مادی و معنوی اطلاق می‌شود که به کاربران یک اجتماع فرهنگی در تطبیق با محیط زیست و تنظیم روابط اجتماعی‌شان قابلیت‌ها و آمادگی‌های شکل گرفته و الگوداری می‌بخشد. هر فرهنگی از عناصر خاص تشکیل شده است در ذیل به بررسی عناصر موثر در فرهنگ ایرانی می‌پردازم:
- ۱- برجسته‌ترین عنصر و ویژگی فرهنگی ایران که بیشتر از عناصر دیگر در شکل‌گیری مجموعه جهانی فرهنگ ایرانی نقش داشته و شاید بتوان آن را نماد این فرهنگ به شمار آورد، ادبیات به ویژه شعر و شاعری است. شعر یا بیان موزون در ایران پیشینه‌ای دیرینه دارد و کهن‌ترین ردپای آن را می‌توان در سروده‌های خود زرتشت، گاتاها یافت که در انتساب آن به زرتشت، هیچ تردیدی وجود ندارد. شعر فارسی هر چند که بیشتر قالب‌هایش را از اعراب گرفته، اما از جهت محتوا، مفاهیم و تشبیهات و اندیشه‌ها، برخلاف محتوای اشعار عرب، ویژگی محلی و بومی و قومی ندارد و معطوف به قوم و منطقه ویژه‌ای نیست و بیشتر توصیف‌ها و تشبیهات و پیام‌ها و فضا سازی‌هایش خصلتی فرامرزی و جهانی دارد. اهمیت شاهان به شاعران و تنوع و تعدد شعرا و قالب‌ها و انواع گوناگون ادبی خود یکی از عوامل گسترش فرهنگ ایران است.
 - ۲- یکی دیگر از عناصر تعیین کننده و ترکیب کننده هر فرهنگ، زبان است که دستاوردها، تجربه‌ها و آفرینش‌های هر نسل را به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهد. بدون وجود زبان مشترک، تداوم فرهنگی امکان‌پذیر نیست و فرهنگ بیش از یک نسل نمی‌پاید. زبان از یک سو ساخته فرهنگ و از سوی دیگر سازنده آن است. زبان ما ایرانیان یعنی زبان فارسی از قدمت و گستره بالایی برخوردار بوده است تا آنجا که در سده‌های سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم میلادی در آسیای صغیر، هندوستان، مصر و فلات ایران و آسیای میانه، زبان رسمی و بین‌المللی بود.
 - ۳- دیگر عنصر مؤثر در ساخت یک فرهنگ، موقعیت جغرافیایی و اقلیمی هر فرهنگ است. کشور ایران از اقلیمی برخوردار است که چنان تنوعی از جهت آب و هوا و پستی و بلندی دارد که در واقع یک جهان کوچک به شمار می‌آید و نمایشگر انواع موقعیت‌های اقلیمی در سراسر کره زمین است و بالطبع عامل شکل‌گیری فرهنگ‌های متنوعی نیز خواهد شد.
 - ۴- عنصر تعیین کننده دیگر در ترکیب و ساختار هر فرهنگی، دین و نظام اعتقادی آن است، در این هیچ تردیدی نیست و همه فرهنگ شناسان و پژوهشگران فرهنگ، بر این باورند که نظام اعتقادی و دین، شیرازه انسجام هر گونه اجتماع فرهنگی است و بیشتر آرمان‌های اجتماعی هر فرهنگی را دین آن معرفی و تثبیت می‌کند و از طریق مناسک و آیین‌های مذهبی این آرمان‌ها را ملکه ذهن اعضای وابسته به فرهنگ می‌سازد. ایران از نظر دین و آیین نیز متنوع بوده و آیین‌های بسیاری را تجربه کرده است. نخستین نظام اعتقادی منسجم در قلمرو فرهنگی ایران دین توحیدی زرتشت بود. که بیش از هزار سال در ایران جریان داشت. پس از آن آیین‌های مانوی، میتراپیسم، مزدک، زروانی،... و چندی بعد، دین بزرگ و مقدس اسلام با اصول و عقاید پاک و خالص بر ایران حاکم شد و تا به امروز به عنوان دین اول در ایران به جا مانده است.
 - ۵- عنصر فرهنگی دیگری که در تعیین رویکردها و منش‌های روحی و الگوهای رفتاری اعضای هر فرهنگی نقش برجسته‌ای دارد، حکومت یا نظام سیاسی است. در این مورد هم ایران حکومت‌ها و نظام‌های متعددی را به خود دیده است.
 - ۶- و سرانجام دیگر عنصری که در شکل‌گیری رویکرد جهانگرایانه اجتماعی فرهنگی ایران نقش داشته است و نمایشگر سپهر ذوقی و عاطفی آن است، هنرهای ظریف و معماری است.» (ثلاثی، ۱۳۷۹: ۲۷-۸)

از میان عناصر مذکور که در تشکیل و انتقال فرهنگ غنی و کهن فارسی، نقش مهمی داشته‌اند، عنصری را که اساس کار ما در این رساله بر آن بنا نهاده شده است یعنی شعر و شاعری و بهترین و عظیم‌ترین نماد و نمونه آن یعنی شاهنامه فردوسی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«پس از سستی گرفتن توان‌های فرهنگی در قلمرو فرهنگی ایران و برتری یافتن جهانی ملل نوپای اروپایی که پیشرفت‌شان را بر پایه اصول دیگری استوار ساخته‌اند، تنها عنصر از این جهان فرهنگی که همچنان پویایی و اعتبارش را در جهان نوین غرب حفظ کرده و هنوز تبادل فرهنگی زاینده و سازنده‌ای با اندیشمندان و هنرمندان غربی دارد، شعر و ادبیات فارسی است. شعر فارسی پیوسته از طریق امثال سایر و حفظ سینه به سینه یا نقالی، به درون قشرها و کانون‌های دیگر وابسته به قلمرو فرهنگی ایران سرازیر شده و تأثیرش را در دل و جان توده‌های مردم بر جای گذاشته است. برخی از ذهنیت جهانگرایانه که در رفتار روزانه ایرانیان به چشم می‌خورد، فرآورده آشنایی با جهان شعر کلاسیک فارسی و پرورده مکتب شاعران جهانگرای ایرانی است.» (همان، ۲۷)

مشهورترین قالب شعر کلاسیک زبان و ادبیات فارسی قالب مثنوی و در میان مثنوی‌ها، حماسه بیش از همه انتقال‌دهنده توأمان تاریخ و فرهنگ و تمدن ملی است و باز در میان حماسه‌های ایرانی بهترین، مشهورترین و پربارترین‌شان مثنوی حماسی شاهنامه فردوسی است. در ادامه مطلب ابتدا به معرفی حماسه و سپس به معرفی شاهنامه فردوسی خواهیم پرداخت.

ادبیات چیست؟

«واژه ادبیات (جمع ادب، معرب از فارسی) در زبان فارسی امروز، از دوره مشروطیت به بعد همسنگ واژه *Litre* یا *litterature* فرانسه و به معنی نوشتارها و اثرهای هنری سنجیده، فرهیخته، خوشایند و گویا می‌باشد، ادبیات به معنی عام کلمه، غالباً به هر نوع نوشته‌ای گفته می‌شود مثل: رساله‌ها و آثار علمی و تاریخی و فلسفی و ادبی، اما ادبیات به معنای خاص، به هر اثر شکوهمند و ممتازی اطلاق می‌شود که در آن عامل تخیل دخیل باشد و در ضمن با دنیای واقعی نیز ارتباط معنی‌داری داشته باشد. در تعریف ادبیات به معنای خاص کلمه بر سه نکته مهم تأکید شده:

۱- اثر باید شکوهمند باشد.

۲- اثر باید از ماهیت تخیلی برخوردار باشد.

۳- اثر باید با دنیای واقعی ارتباط معناداری داشته باشد.» (میرصادقی، ۱۳۷۵: ۱۵)

به طور کلی ادبیات معانی گوناگون دارد. و یکی از توصیف‌ها و تعریف‌های آن که در خور جستارهای این مجموعه می‌باشد، این است که «ادبیات، آیین تمام‌نمای رویدادها، آیین‌ها، رفتارها، تلاش‌ها، اندیشه‌ها، عقاید، باورها و ... یک جامعه است» که زبان حال و شناسنامه یک ملت به شمار می‌آید و می‌توان یک جامعه را با بررسی محتوا و موضوع ادبیات آن شناخت، رویدادها و رفتارهای اجتماعی آن را دانست و سیر تحولی پدیده‌های اجتماعی را ردیابی کرد. مطالعه و بررسی جامعه در زمان حاضر به ویژه در زمینه‌های فرهنگی که روز به روز بر اهمیت موضوعی و پژوهشی آن افزوده می‌شود این پرسش را پیش می‌آورد که گذشته جوامع و سیر تحولی فرهنگ و فرهنگ‌ها را چگونه می‌توان بررسی کرد؟

«در توصیف فرهنگ آمده است که همه پدیده‌های فرهنگی (خوراک، پوشاک، مسکن، زبان، قانون، آیین، باور، عقیده، هنر و ...) از یک نقطه و مرحله ساده آغاز شده و به تدریج، با گذشت سده‌ها و هزاره‌ها، تغییر و تحول یافته، با ویژگی‌های زمان و مکان هماهنگ شده تا به ما رسیده است.

بی‌گمان بررسی این سیر تحولی و دگرگونی‌های سده‌ها و هزاره‌های فرهنگی، که هیچ «عنصر» آن «چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند» کار آسانی نیست. از سده گذشته، پژوهندگان می‌کوشند، تا با یاری نوشتارها، کاوش افسانه‌ها، اسطوره‌ها و بررسی جامعه‌ها و گروه‌های ساده و ابتدایی، در چهارچوب نحله‌ها، مکتب‌ها، دبستان‌ها (تحول، اشاعه، به کارآیی، ساختار و ...) شاید بتوانند ورقی چند از این کهنه کتاب فرهنگ و تمدن بشری را باز یابند.

ایران از جمله کشورهایی است که عمر نوشته‌ها و نوشتارهایش به گواهی سنگ نوشته‌ها به هزاره‌ها می‌رسد. کتاب‌ها، نامه‌ها و سندهایی که در طول هزار سال زبان فارسی دری باقی مانده، بر بسیاری از زمینه‌ها، نهادها و عنصرهای فرهنگی (آیین، سنت، قانون، قراردادهای خویشاوندی، اندیشه‌ها، هنرها، ارزش‌ها و عقاید و ...) گواه و رهنمون است. شعرها و سروده‌های شاعران بخشی کلان از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد. بخشی که پشتوانه و نگهدارنده استوار زبان، اندیشه و نیز صنعت‌های لفظی و معنوی است و از لایه‌لای آنها می‌توان پدیده‌ها و رویدادهای فرهنگی و اجتماعی و سیر تحولی آنها را به دست آورد». (روح‌الامینی، ۱۳۷۵: ۱۷-۹)

ادبیات داستانی چیست؟

«ادبیات داستانی یا Fiction در معنای جامع آن به هر روایتی که خصلت ساختگی و ابداعی آن بر جنبه تاریخی و واقعیتش غلبه کند، اطلاق می‌شود؛ از این رو ظاهراً باید همه انواع خلاقه ادبی را در بر بگیرد. ادبیات داستانی بخشی از ادبیات یا ادبیات تخیلی است و تفاوت عمده آن‌ها با هم در این است که ادبیات داستانی همه انواع آثار داستانی روایتی منثور را در بر می‌گیرد، خواه این انواع از خصلت شکوهمندی ادبیات تخیلی برخوردار باشد، خواه نباشد. یعنی هر اثر روایتی منثور خلاقه‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معنی‌داری داشته باشد، در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد.

ادبیات داستانی به طور کلی شامل انواع مختلفی مثل: رمانس، رمان، داستان کوتاه، قصه و آثار وابسته به آنهاست.»

(میرصادقی، ۱۳۷۵: ۱۹)

حماسه چیست؟

«حماسه در لغت به معنی «دلآوری، دلیری و شجاعت» است و در نوع ادب حماسی یا آثار منظوم و منثور حماسی، از رخدادهای پهلوانی و اعمال دلآوری و مردانگی قهرمانان و پهلوانان یک ملت یا یک آیین و کیش گزارش و توصیف می‌شود که در راه استقلال کشور یا تکوین حکومت و حفظ آیین خویش می‌کوشند و با دشمنانشان می‌جنگند» (رزمجو، ۱۳۸۱: ۲۳)

«حماسه، خاطره‌ها یا حادثه‌های واقعی پیش از تاریخ است که سینه به سینه نقل شده و نسل به نسل انتقال یافته است. موضوع آن از اسطوره‌ها و تاریخ ملل گرفته می‌شود و حوادث آنها به زمان‌های دور تعلق دارد. گذشت قرن‌ها، آرمان‌ها و

عواطف قومی و ملی به این موضوع‌ها شاخ و برگ افزوده و آنها را در هاله‌ای از افتخارات و پیروزی‌های ملی قرار داده است» (میرصادقی، ۱۳۷۵: ۴۵)

«به قول لامارتین (شاعر فرانسوی ۱۷۹۰-۱۸۶۹) حماسه شعر ملل است به هنگام طفولیت ملل، آن‌گاه که تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته و شاعر، مورخ ملت است. زیرا در آن مرحله از تاریخ هنوز نقد و انتقاد رواج نیافته؛ در آن مرحله، ملل نیازمند وصایای بزرگان و قهرمانان خویشند، آن‌ها که ملت‌ها را از مرحله‌ای به مرحله‌ای سوق داده‌اند و به درجه‌ای از تمدن رسانده‌اند

حماسه‌ها در قالب شعر سروده شده است. بنابر نظر ارسطو، شاعران نظم را به عنوان ابزار اساسی داستان‌گویی انتخاب کرده‌اند. ارسطو حماسه را از نظر مرتبه ادبی در مرحله‌ای بعد از تراژدی می‌گذارد در دوران نوزایی مقام حماسه بالا برده می‌شود و آن را برتر از هر اثر خلاقه قرار می‌دهند. حماسه از نظر کمیت بلندتر و مفصل‌تر از دیگر انواع ادبی است و از نظر کیفیت و ساختار، استحکام و شکل انواع دیگر را ندارد اما شاعر برای سرودن آن به اطلاعات و مهارت‌های بسیار نیازمند است. حماسه پیرنگی ساده و ابتدایی دارد و از مجموعه‌ای از حوادث تشکیل شده است که بر محور قهرمانی می‌گردد. درون مایه آن متضمن مسایل کلی و عام بشری است و جنبه آفاقی دارد نه انفسی، یعنی در آن کمتر از «من» شاعر صحبتی به میان می‌آید. به عبارت دیگر، حماسه اثری داستانی- روایتی است با زمینه‌ای قهرمانی و رنگ قومی و ملی و سبکی فاخر که در آن حوادث خارق‌العاده اتفاق می‌افتد.» (همان، ۳۸-۳۵)

حماسه فردوسی

«نام کامل او، ابوالقاسم حسین بن علی توسی بوده است. این نام با قراین دیگری که وابستگی او را به یکی از فرق تشیع می‌رساند، سازگارتر است. از روی شواهد و قرائنی که خود در ضمن اثرش به ما داده است چنین به نظر می‌آید که در سال ۳۲۹ هـ ق در روستای باژ، از نواحی طبران از نواحی توس دیده به جهان گشود. پدرش از طبقه دهقانان بود و دهقانان طبقه نجیب‌زادگان و فرهیختگان و حافظان آداب و سنن و خاطرات باستانی ایران بودند.» (ریاحی، ۱۳۷۶: ۷۰-۶۲)

«معروف است که شاعر ۳۰ سال از عمر خود را صرف سرودن شاهنامه کرد. شاهنامه‌ای که حماسه ملی ایران را به اوج خود رساند. «و اگر گفته شود دیوان واقعی فرهنگ خالص ایرانی است، گزاف نیست، چرا که جز آن تمام ادبیات دری، شدیداً تحت تأثیر اسلام است. اما روح واقعی شاهنامه، روح آریایی- هند و اروپایی است. شاهنامه و تمام حماسه ملی ایران، در عین حال پلی است که دنیای باستان را با دنیای قرون وسطی و دنیای اسلامی که هنوز در فرهنگ ما ادامه دارد، به هم پیوند می‌دهد.» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ص ۲۶)

«شاید بیشتر مردم، جز آنان که فردوسی را خوب می‌شناسند و با شاهنامه مانوس هستند، گمان کنند که شاهنامه، تنها حماسه ای ملی است و داستان‌هایی از ایران باستان را به صورت منظوم در آورده است. اما هر کسی که این شاهکار بی‌مانند را شناخته باشد، می‌داند که گنجینه‌ای است گرانبها از تمام فرهنگ و تمدن، دین و دانش، حکمت و اخلاق، ادب و هنر، لغت و دستور، تاریخ و غرور ملی، آداب و رسوم ایرانی و همه چیز ایران که هر چه را از این مدنیت درخشان جستجو کنیم نمونه

بارز آن را در این کتاب بزرگ خواهیم یافت . فردوسی شاعری است چیره دست و حکیمی است تیزبین و متفکری است بلندهمت که در سراسر شاهنامه، هر جا به مناسبت از حکمت و اخلاق مطالبی آورده است.»(شفیعی: ص ۱۱۷)

فردوسی مروج و منتقل کننده فرهنگ اصیل و ناب ایرانی است، فرهنگی که به ایران و ایرانی وجهه‌ای ارزشمند داده است. باورهایی که همواره ایرانیان را از تسلیم در برابر زور و ظلم و ستم دیگران باز داشته است. حماسه فردوسی به ایرانیان غروری پاک می‌دهد، غروری که مانع از آن می‌شود که ایرانی تسلیم ذلت شود. در روزگاری که دشمن اسلام و ایران سعی دارد تا با مظاهر پوچ و باطل فرهنگی خود تمدن ایرانی و اسلامی را بیوشاند و از ذهن نسل‌های جدید پاک کند، چه بهتر است با تمسک و مطالعه این ابرحماسه فارسی و آشنایی با فرهنگ اصیل خود، به مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان بدانندیش بپردازیم و چون نیاکان دلیرمان که همچون کوهی استوار در برابر متجاوزان ایستادند تا ایران و فرهنگ ایرانی با افتخار به دست ما برسد، ما نیز امانت‌داران صادقی برای این ثروت عظیم باشیم و آن را به نسل‌های بعد منتقل سازیم.

فصل اول

بررسی رویدادهای غیرداستانی شاهنامه

- تعریف داستان، انواع داستان و عناصر داستانی
- بررسی داستان و غیرداستان در شاهنامه
- بررسی عناصر داستانی در رویدادهای غیرداستانی شاهنامه
- فهرست رویدادهای غیرداستانی شاهنامه

چون موضوع پایان نامه فوق بررسی پندارهای عمومی در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه است، لذا مناسب است که پیش از پرداختن به موضوع اصلی ابتدا تعریفی از داستان و غیر داستان و ویژگی های داستانی ارائه گردد و بر اساس آن نادرستان های شاهنامه از دیگر مطالب و رویدادهای آن متمایز شده و محدوده کاری ما در این رساله مشخص گردد، بنابراین فصل اول این رساله به بررسی داستان، عناصر داستانی و رویدادهای غیر داستانی شاهنامه اختصاص یافته است. پس از آن در فصل دوم به بررسی مفهوم پندار و پندارهای عمومی شاهنامه خواهیم پرداخت و در فصل سوم مجموع پندارهای عمومی مندرج در رویدادهای غیر داستانی شاهنامه را، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

داستان چیست؟

تاکنون تعاریف مختلفی از داستان توسط ادیبان و نویسندگان در دوره‌ها و کشورهای مختلف ارائه شده است که هر کدام بر یکی از ویژگی‌ها و جنبه‌های داستان تأکید داشته‌اند و هیچ یک تعریف جامع و کاملی از آن به دست ندهاند. در ذیل به نقل سخن چند تن از نویسندگان و ادیبان بزرگ جهانی که تعاریفی پیرامون داستان داشته‌اند خواهیم پرداخت.

«ارسطو در کتاب «فن شعر» (بوطیقا) داستان را ترکیب وقایع می‌داند و به نظر او داستان باید آغاز، میانه و پایان داشته باشد.

در فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان تألیف جوزف شیلی، داستان چنین تعریف شده است:

(داستان اصطلاح عامی است برای روایت یا شرح و روایت حوادث. در ادبیات داستانی، عموماً داستان، در برگیرنده نمایش تلاش و کشمکش است میان دو نیروی متضاد و یک هدف).

داستان توالی حوادث واقعی و تاریخی یا ساختگی است. بنابراین تسخیر «عمل» به وسیله «تخیل» را ارائه می‌دهد. ای. ام. فورستر (رمان نویس و سخن‌شناس انگلیسی، ۱۹۷۰-۱۸۷۹) در کتاب «جنبه‌های رمان» داستان را چنین تعریف می‌کند:

(داستان نقل وقایع است به ترتیب و توالی زمان، در مثل نهار پس از چاشت و سه‌شنبه پس از دوشنبه و تباهی که پس از مرگ می‌آید).

در گذشته‌های دور شعر نیز به صورت روایتی آن معمول بود. ایلیاد و ادیسه هومر در اصل به شعر روایتی بود. شاهنامه فردوسی نیز به شعر روایتی است. از این رو، داستان معنایی عام دارد و معنایی خاص. در معنای عامش، تقریباً معادل ادبیات است که از آن به عنوان ادبیات تخیلی نیز یاد می‌شود، در این معناست که می‌گوییم داستان نمایش نامه، داستان کوتاه، داستان رمان و ... اما در معنای خاص آن، مترادف و هم معنای ادبیات داستانی است. زیرا در عرف نقد ادبی امروز، به قصه، داستان کوتاه، رمان و متفرعات آنها ادبیات داستانی می‌گویند. به طور کلی ادبیات داستانی، شامل قصه، رمانس، رمان، داستان کوتاه و آثار وابسته به آنهاست» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۱)